

زمینه‌های ساختاری وقوع جرائم قضایی قضات ایران

محمد یعقوبی زرندینی*، سعید قماش‌ی**، ابوالقاسم خدادی***

چکیده

ارتکاب جرائم قضایی توسط قضات بیانگر وجود ایراداتی در دستگاه قضایی و شخصیت قاضی است. با تقسیم این ایرادات به ساختاری و فردی، به نظر می‌رسد میزان تأثیر عوامل ساختاری در وقوع این نوع جرائم بیشتر از عوامل فردی است. از این‌رو شناخت و بررسی آنان با اهمیت و ضروری است. در این پژوهش با بهره‌گیری از برابند پرسش‌نامه و مصاحبه با قضات، زمینه‌های ساختاری وقوع جرائم قضات ایران به‌طور جامع و در کمال بی‌طرفی مورد نقد قرار می‌گیرد و در نهایت پیشنهاداتی قابل اجرا ارائه می‌شود. بر این پایه، انتخاب و گزینش صحیح، کارآموزی مفید، آموزش ضمن خدمت ضروری، تقویت استقلال قضایی، حفظ نخبگان و قضات مجرب، افزایش جذابیت شغلی، به همراه شفافیت و پاسخ‌گویی قوه قضائیه در کاهش حداکثری جرائم قضات ایران مؤثر است.

واژگان کلیدی: جرم قضایی، مجرم یقه سفید، دستگاه قضایی، عوامل ساختاری

* رئیس شعبه اول دادگاه کیفری یک استان مازندران، دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه کاشان

Mohyaghobizarandini@gmail.com

** استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان (نویسنده مسئول) Ghomashikashan@gmail.com

*** استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد A.khodadi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۰۵

مقدمه

رسالت اصلی قوه قضائیه اعمال عدالت قضایی به هنگام مطالبه خصوصی یا عمومی است. رسیدن به این هدف، شاخصه عدالت محوری حاکمیت و موجب دوام آن و به شدت وابسته به عملکرد قضات تحقیق و رسیدگی کننده است. از این رو نظارت و سخت گیری نسبت به قضات متخلف و مجرم امری مقبول و رایج است. میزان وقوع جرم توسط قضات ارتباط مستقیمی با میزان درک مردم از فساد دستگاه قضایی و در نهایت نظام حاکم دارد. پیشگیری و کاهش این نوع جرائم مبتنی بر شناخت عوامل ایجادکننده یا تسهیل کننده آن است. برخی از این عوامل مربوط به ویژگی های شخصیتی قاضی است و به علل فردی مصطلح است و مابقی وابسته به محیط پیرامونی، روابط بین اجزای دستگاه قضایی، شرایط و بستر فعالیت و تشکیلات دولتی و قضایی است که در مجموع، آن را عوامل ساختاری می نامیم. وقوع جرائم قضایی در برخی کشورها نادر، پراکنده و اغلب وابسته به اخلاق و رفتارهای فردی است. در این کشورها نظام قضایی حامی حرفه ای بودن قوه قضائیه است. اما «در بسیاری از کشورهای دیگر وقوع فراوان جرائم قضایی مشکلی نظام مند است و پرداختن به اخلاق به تنهایی به حل مسئله کمک نمی کند و ممکن است خود نظام قضایی به شکلی سازمان یافته موجب فساد شود» (Noel Pepys, 2007: 4). در پژوهش پیش رو به دلیل اهمیت و تأثیرگذاری فراوان زمینه های ساختاری وقوع جرم قضایی، عوامل ساختاری مؤثر بر جرائم قضایی مورد کنکاش قرار گرفت. بنابراین عوامل فردی زمینه ساز جرائم قضایی محل بحث نیست و به مجال دیگر واگذار می شود. جهت مستندسازی، علاوه بر روش اسنادی، از روش کیفی مصاحبه های عمیق و روش کمی تکنیک پرسش نامه های ساختاریافته استفاده شد و با بهره گیری از براینده مصاحبه و پرسش نامه های تکمیل شده از سوی تعدادی از قضات، اشکالات نظام متصدی عدالت، توسط متصدیان بی واسطه عدالت مورد نقد و اظهار نظر قرار گرفت. در این راستا، پرسش نامه ای تهیه و به تأیید اساتید روش تحقیق و قضات باتجربه رسید و به درجه ای از اعتبار و پایایی دست یافت. در سال های ۹۵ و ۹۶، بیش از ۱۳۰ قاضی^۱ شاغل در چهار استان تهران، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد و خراسان رضوی در سه مقطع دادسرا، دادگاه ابتدایی و تجدیدنظر، مورد نظر سنجی از طریق پرسش نامه حاوی ۴۲ سؤال قرار گرفتند و از حدود بیست قاضی شاغل در تجدیدنظر، مصاحبه عمیق به عمل آمد.

بر این پایه بعد از تعریف چند اصطلاح مهم در بندهای جداگانه، زمینه های استوار بر سیاست جنایی کلان و زمینه های متأثر از مقررات داخلی قوه قضائیه و عوامل ناشی از تصمیمات مدیران عالی قوه قضائیه

۱. کل افراد مورد پژوهش ۱۳۲ نفر بودند. کمترین سن قضات ۲۴ و بیشترین سن ۵۹ سال با میانگین ۳۸/۶۶ سال. کمترین سابقه کار ۱ سال و بیشترین ۳۱ سال با میانگین ۱۰/۲ سال. از این افراد ۶ نفر دارای تحصیلات دکتری و ۱۶ نفر دانشجوی دکتری و ۶۸ نفر فوق لیسانس، ۲۹ نفر لیسانس و ۱۱ نفر نیز صرفاً دارای تحصیلات حوزوی معادل لیسانس یا بالاتر (دو نفر بدون اعلام) بودند. ۷۶ نفر (۵۸/۵ درصد) قاضی دادسرا، ۳۱ نفر (۲۳/۸ درصد) قاضی دادگاه، ۲۰ نفر (۱۵/۴ درصد) قاضی تجدیدنظر و ۳ نفر (۲/۳ درصد) مدیر قضایی و دو نفر بدون اعلام بودند.

مورد بحث قرار می‌گیرد؛ با این قید که این تقسیم‌بندی به دلیل ارتباط نزدیک زیرمجموعه هر کدام قابل مناقشه است.

۱. مفهوم شناسی

به منظور درک صحیح و تحلیل بهتر زمینه‌های ساختاری جرائم قضایی قضات ایران، ضروری است ابتدا به مفهوم جرم قضایی و تشابه و تفاوت قاضی مجرم با مجرم یقه‌سفید پردازیم و در ادامه نگاهی به میزان جرم قضایی در ایران که در اصطلاح منتج به فساد قضایی خواهد شد، بیندازیم.

۱-۱. جرم قضایی

قاضی به مانند سایر کارکنان دولت، در ارتباط با وظایف عمومی اداری ممکن است مرتکب جرائمی شود که ارتباطی با وظایف قضایی اش ندارد؛ مانند اینکه در اخذ مرخصی استعلاجی مرتکب جعل و استفاده از سند مجعول شود. اما در مواردی که قاضی در ارتباط با وظایف قضایی اش مرتکب جرم شود، مانند اینکه در پرونده قضایی تحت اختیارش رشوه قبول کند یا مرتکب جرم بازداشت غیرقانونی در زمان رسیدگی به پرونده‌ای شود، جرم قضایی واقع می‌شود؛ مشابه وجه افتراق جرائم پزشکی با سایر جرائمی که پزشک ممکن است مرتکب شود. از این رو، «جرم قضایی» را «بزه‌های دارای ضمانت اجرای کیفری که توسط قاضی به سبب مسئولیت قضایی و در بستر وظایف و اختیارات قانونی اش به وقوع می‌پیوندد» تعریف می‌کنیم. البته در معنای موسع، جرم قضایی شامل تخلفات خاص قضایی دارای ضمانت اجرای انضباطی یا مدنی نیز می‌شود.

۱-۲. قاضی مجرم و مجرم یقه‌سفید

ساترلند، جرائم یقه‌سفیدان را بزه‌هایی می‌داند که به واسطه اشخاص محترم و دارای جایگاه اجتماعی والا، در گفتمان شغلی (سازمانی) ارتکاب می‌یابد (فورچی بیگی، ۱۳۹۴: ۳۵). وی تأکید می‌کند این جرائم، نقض اعتماد است و مجرم در ارتباط با شغلش از سطح اعتماد به نسبت زیادی در جامعه بهره‌مند است (Sutherland, 1942: 152). هرچند بر اساس برداشت بسیاری، قلمرو حاکمیت جرائم یقه‌سفیدان، جرائم مالی و اقتصادی است، به نظر می‌رسد سایر اشخاص دارای ویژگی‌های مورد نظر ساترلند، مانند قضات نیز می‌توانند در شمار بزه‌کاران یقه‌سفید باشند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۷۰: ۴۶). البته در مواردی که هدف و انگیزه قاضی مجرم، سوءاستفاده از قدرت، کسب موقعیت شغلی بالاتر یا ثروت نامشروع نیست، مشکل بتوان جرم وی را در قالب جرائم یقه‌سفیدی تحلیل کرد. به این نمونه‌ها توجه کنید:

۱. قاضی‌ای که از قرار تأمین تلقی مجازات دارد و با این قصد که «بهتر است این متهم شرور و جسور را مدتی به بازداشتگاه بفرستم تا آدم (اصلاح) شود» از پذیرش تأمین خودداری می‌کند و به این ترتیب، مرتکب جرم بازداشت غیرقانونی می‌شود. (مطابق نظرسنجی، ۲۹/۷ درصد قضات مورد پرسش، اعتقاد به انجام این کار، در موقعیت مشابه دارند.)

۲. مقام قضایی که به خاطر تراکم کاری و وظایف قانونی بی‌شمار، تمام اظهارات طرفین یا شهود را نمی‌نویسد و در معرض اتهام جرم جعل مفادی قرار می‌گیرد. (مطابق نظرسنجی، فقط ۶۰ درصد قضات اعتقاد به نگارش تمامی اظهارات طرفین و شهود، در هر شرایطی دارند).

۳. قاضی تازه‌کاری که شایستگی‌اش توسط مسئولین جذب و پذیرش، بررسی کامل نشد یا دوره کارآموزی مفیدی نداشت و در نتیجه در ابتدای قضاوت، به لحاظ جهل به قانون، مرتکب جرم می‌شود.

در این موارد قاضی مجرم با مجرم یقه‌سفیدی که با هدف کسب مقام و ثروت نامشروع مرتکب جرم می‌شود، تفاوت دارد. در این‌گونه جرائم، نقش ایرادهای ساختاری در وقوع جرم قضایی بسیار بااهمیت است. البته در جرائم یقه‌سفیدی قضات محسوب می‌شوند نیز نقش ساختار شایان توجه است: دادرسی که به دلیل حقوق و دستمزد کم، در چندین سال بعد از سال‌های آغازین قضاوتش، مرتکب جرم ارتشاء می‌شود؛ هرچند ثابت می‌کند که از نظر اخلاقی به لحاظ حب مال، وضعیت مطلوبی ندارد و دیگر شایسته این مسند نیست، به پژوهشگر می‌فهماند که درآمد و دستمزد کم، حتی قاضی پاکدست را به ورطه جرم می‌کشاند. (از نگاه قضات مورد نظرسنجی، حقوق و دستمزد ناکافی، با نمره ۸/۶۷ از ۱۰ امتیاز بیشترین تأثیر را در وقوع جرم ارتشاء دارد. مقایسه کنید با نمره ۷/۷۲ حب مال و نمره ۴/۸۵ کنترل ناکافی قضات و ۳/۵۰ عدم برخورد مناسب با قضات مجرم).

۱-۳. میزان جرم و فساد قضایی

دسترسی به آمار دقیق جرائم و بالتبع فساد^۱ امری غیرممکن است؛ به‌خصوص اگر در مورد جرائم صاحبان قدرت و کارکنان دولت، به‌ویژه قضات باشد. هرچند آمارهایی در مورد تعداد کیفرخواست‌ها و محکومیت‌های قضات وجود دارد، نمی‌توان بر آن تکیه داشت و با دیگر کشورها مقایسه کرد؛ زیرا میزان جرم‌انگاری و میزان و نحوه مصونیت قضایی و چگونگی لغو آن در کشورهای مختلف متفاوت است و اگر فساد خیلی گسترده باشد، احتمالاً فساد در مراجع تعقیب و تحقیق جرائم قضات هم وجود دارد.

تحقیقاتی بر مبنای نظرسنجی، در مورد درک فساد در کشورهای مختلف انجام می‌شود. این آمار مربوط به احساس وجود فساد از طریق مصاحبه و پرسش‌نامه است؛ صرف‌نظر از اینکه اغلب مردم، قوه قضائیه را فاسدتر از آنچه هست، می‌دانند (در حالی که خود به‌طور مستقیم درگیر فساد نبودند) اما می‌توان آن را نشانه‌ای از وجود فساد یا ضعف دستگاه قضایی در پاک‌نشان‌دادن روند دادرسی‌ها تلقی کرد (گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل، ۱۳۹۵: ۳۹).^۲ به‌طور نمونه بر اساس تحقیقاتی از این دست، حدود ۲/۵ میلیون دلار

۱. سازمان شفافیت بین‌الملل، فساد را «سوءاستفاده از قدرت تفویض شده برای سود شخصی» تعریف کرده‌است. ر.ک:

www.transparency.org/what-is-corruption

۲. مطابق گزارش سنجه جهانی فساد سازمان شفافیت بین‌الملل، در ۵۵ کشور از ۶۲ کشور، درصد افرادی که تصور می‌کردند فساد قضایی وسیعی وجود دارد، بسیار بیشتر از کسانی بود که رشوه داده بودند.

رشته، هر ساله در سیستم دادگستری آمریکا پرداخت می‌شود و ۵۰ درصد آمریکایی‌های مصاحبه‌شونده معتقد بودند که سیستم قضایی آمریکا فاسد است.^۱ نتیجه یک نظرسنجی بر مبنای نظر مردم جامعه ایران در خصوص قوه قضائیه نشان از میزان درخور توجه درک فساد دارد: بیش از ۷۰ درصد پاسخ‌گویان با این نظر موافق بودند که «اگر کار خلاف کنند و کارشان به دادگاه بکشد، می‌توانند با دیدن این و آن و کمی پول خرج کردن، خودشان را نجات دهند» و بیش از نیمی از پاسخگویان معتقد بودند «با پول و پارتی و نفوذ می‌توان حکم قطعی را نیز اجرا نکرد» (رفیع‌پور، ۱۳۸۸: ۸۴). نکته شایان توجه آن است که احساس وجود فساد در بین قضات هم بیش از آمارهای رسمی است. نتیجه نظرسنجی نگارندگان این مقاله از قضات نشان می‌دهد ۲۵/۸ درصد قضات مورد پرسش، تعداد قضات مجرم در طول یک سال را بیش از پنج درصد مجموع قضات (بیش از ۵۰۰ نفر) می‌دانند. این آمار بسیار بیشتر از تعداد واقعی قضات تعلیق‌شده (تنها پس از تعلیق قضات، می‌توان به اتهام ایشان رسیدگی کرد) در سال ۹۵ است (تعداد قضات تعلیق‌شده در گزارش وزیر دادگستری، ۷۸ نفر اعلام گردید). تعداد شکایات انتظامی از قضات ایران نیز زیاد است؛ مطابق آمار مربوط به دادسرای انتظامی قضات، تعداد پرونده‌های وارد شده ۵۷۲۰ فقره در سال ۹۵ بود که به‌رغم کاهش ۵/۵ درصدی نسبت به سال ۹۴، بسیار زیاد و غیر معمول است و از این تعداد ۱۰۷۱ مورد کیفرخواست صادر گردید (گزارش وزیر دادگستری در مورد سال ۹۵). مقایسه کنید با ایتالیا ۱۰۷ مورد و فرانسه ۹ مورد رسیدگی انضباطی در سال ۲۰۰۲ (Guarnieri, 2007: 58).

۲. زمینه‌های استوار بر سیاست جنایی کلان

آیین تمام‌نمای سیاست جنایی کشورها، قانون جاری آن است. قانون به‌عنوان خط‌کش و معیار قاضی جهت برپایی عدالت، خود باید عاری از هرگونه خلل و کاستی باشد. سیاست جنایی ایران، زمینه‌هایی را به وجود آورده که تسهیل‌کننده شرایط وقوع جرم قضات‌اند و در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

۲-۱. تراکم قوانین و وظایف بی‌شمار قاضی

تراکم قوانین^۲ و مقررات، تغییرات متعدد، ابهام و تعارض در مواد و عدم وحدت رویه در تفاسیر قانون، علاوه بر اشخاص مورد هدف قانون‌گذار، مجریان قانون و دادرسان را در بسیاری موارد به دشواری کشیده و باعث به‌وجود آمدن رویه‌ها و احکام غیریکسان در پرونده‌های یکسان شده است؛^۳ به‌طوری که در رویه

1. www.yalelawjournal.org/note/corruption-in-our-courts & www.pewresearch.org/fact-tank

۲. «در عمر ۱۱۰ ساله نظام قانون‌گذاری کشور، بالغ بر ۱۱ هزار عنوان قانون، تصویب گردید که سهم مجلس شورای اسلامی تا شش ماه اول مجلس دهم، ۲۹۵۷ قانون است.» به نقل از معاون وقت قوانین مجلس. برگرفته از خبرگزاری خانه ملت: www.icana.ir/fa/newsamp/298595 کد خبری ۲۹۸۳۴۵ در مورخ ۹۵/۲/۱۹.

۳. از جمله می‌توان به مواد ۹۱، ۱۱۴، ۲۶۲، ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ و ماده ۲ قانون تشدید مجازات کلاهبرداری، اختلاس و ارتشاء اشاره کرد که تفاسیر متعدد آن، دایر مدار مجازات و عدم مجازات یا سلب حیات و مجازاتی بسیار نازل‌تر است!

قضایی، وجود دو نظر کاملاً متفاوت در موارد مشابه معمول است و تغییر بسیاری از احکام دادگاه‌های ابتدایی در دادگاه‌های عالی، بر این پایه صورت می‌گیرد.^۱ حتی در برخی موارد، پس از شکایت انتظامی متضرر از حکم اولیه، این احکام متفاوت بر اساس نظر دادرسان و دادگاه عالی انتظامی قضات با عبارت معمول «موضوع مطروح، محمول است به نظر قضایی» توجیه می‌شوند. به لحاظ تفسیرهای متفاوت از قوانین، رویه قضایی در برخی موارد، استان به استان و شهر به شهر و دادگاه به دادگاه متفاوت است (در بین قاچاقچیان مواد مخدر، این جمله رواج دارد که «هرچه از استان‌های غربی به شرقی برویم، میزان مجازات جرائم مواد مخدر، سنگین‌تر می‌شود.») و این باعث به وجود آمدن ابهامات و سوالات متعدد در ذهن مردم و به خصوص طرفین پرونده می‌شود و میزان درک فساد به شدت بالا می‌رود. از سوی دیگر زمانی که قانون، کامل و شفاف نباشد، قاضی فاسد بر اساس مبلغ رشوه، تصمیم قضایی اتخاذ یا میزان مجازات را تعیین می‌کند و اگر مورد اتهام قرار گیرد، رویه‌های مختلف را پوششی برای ارتکاب جرم برگزیده و از این طریق پاسخی (بهانه‌ای) منطبق با یکی از رویه‌های حاکم، بیان می‌کند. علاوه بر آن «در برخی کشورها ثابت شده است، به دلیل وجود «رویه‌های پیچیده»، مردم جهت تسریع در کارها، رشوه می‌دهند» (گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل، ۱۳۹۵: ۲۷).

از سوی دیگر بر اساس اصول سازمانی، میزان «رسمیت»^۲ مشاغل حرفه‌ای باید کمتر از مشاغل ساده باشد (رایبیز، ۱۳۸۸: ۹۵-۸۵). پیچیدگی زیاد با میزان رسمیت کم پیوند خورده است. تحمیل قوانین و مقررات زیاد بر فعالیت شغلی متخصصی با سطح دانش شغلی بالا یا افراد حرفه‌ای ضرورتی ندارد. رسمیت زیاد به همراه پیچیدگی فراوان شغلی، ارتکاب بسیاری از تخلفات را به همراه دارد. با تصویب هر قانون، بدون توجه به میزان توانایی قضایی، چندین تکلیف به وظایف قانونی قضات اضافه می‌شود. بدیهی است افزایش «بایدها» بدون تغییر در شرایط کاری، امری غیر منصفانه و در برخی موارد، تکلیف مالا یطاق و مانع نوآوری و تعقل و انعطاف است. این در حالی است که قاضی باید به قضاوتش پردازد؛ نه بیشتر و نه کمتر از آن. بسیاری از وظایف قانونی قضایی، توسط کارکنان اداری به‌عنوان دستیاران قضایی قابل انجام است.^۳ در قانون اخیر آیین دادرسی کیفری، در برابر بیش از ۵۰۰ تکلیف مصرح قانونی قضات، تنها در ۹ مورد کارکنان دفاتر

۱. نقض ۱۰ درصد آرای دادگاه‌های ابتدایی در تجدیدنظر استان تهران، خبرگزاری تابناک به نقل از رییس کل دادگستری تهران: www.tabnak.ir/fa/news/173286 کد خبری ۱۷۳۲۸۶ مورخ ۹۰/۴/۵ و نقض ۷۰۰۰ پرونده از ۱۸۵۰۰ پرونده قابل فرجام در دیوان عالی کشور، به نقل از سخنگوی قوه قضائیه در سال ۱۳۹۵: www.fardanews.com کد خبری ۶۸۹۶۹۲، نشان از پیچیدگی قوانین و تفاسیر مختلف دادرسان در مقام قضاوت است.

۲. به میزان یا حدی که در انجام شغلی، قوانین، رویه‌ها و دستورالعمل‌های مکتوب وجود دارد، رسمیت می‌گویند. در مشاغل حرفه‌ای، جهت تسهیل در امور، میزان رسمیت باید در حد کم و معقولی باشد؛ چراکه رسمیت زیاد مانع نوآوری، تمرکز و تعقل است.

۳. مطابق ماده ۱۷۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲، علاوه بر دستور احضار، امضای احضاریه متهم نیز، برعهده قاضی گذاشته شد!

ملزم به اجرای قانون شده‌اند.^۱ به‌طور نمونه، در اغلب (تقریباً همه) دادگاه‌ها و دادرسی‌های ایران، نگارش صورتجلسه به‌ناچار^۲ توسط قاضی انجام می‌شود. قاضی‌ای که در وقت رسیدگی مشغول تنظیم دقیق صورتجلسه است، چگونه می‌تواند به مدیریت دادگاه و پرونده بپردازد؟ بر امور دفتری نظارت کند؟ مراقب باشد نظم جلسه به هم نخورد؟ سؤالات دقیق مطرح نماید؟ مواظب باشد اگر شخص دیگری وارد شد، ضمن تکریم و راهنمایی وی حواسش پرت نشود؟ از طرفی وقت را مدیریت کند که در نیم ساعت یا کمتر از آن، جلسه به پایان برسد تا در وقت پرونده بعدی تداخل نشود؟ و از همه مهم‌تر در طی این موارد، بر اعصاب خود مسلط باشد و اگر مشکلی ایجاد شد، از کوره در نرود؟^۳ نتیجه نظرسنجی از قضات نشان می‌دهد که تکالیف قانونی فراوان تأثیر ۶/۱۱ از ۱۰ را در وقوع جرم بازداشت غیرقانونی و تأثیر ۵/۲۶ در وقوع جرم جعل مفادی دارد (مقایسه کنید با تأثیر ۴/۳۱ کنترل ناکافی قضات، در وقوع جرم بازداشت غیرقانونی و تأثیر ۳/۹۰ در جرم جعل مفادی).

۲-۲. تراکم پرونده‌ها

تراکم پرونده‌ها از این منظر که بسیار متأثر از قوانین و مقررات دارای نقص حاکم است، می‌تواند از نتایج سیاست جنایی کلان باشد. روشن است «یکی از مؤلفه‌های ضروری برای تضمین عملکرد مطلوب دادگاه‌ها، دادرسی منصفانه در مدت زمان معقول است» (ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر). ورود فراوان پرونده‌ها به‌طور طبیعی باعث طولانی شدن زمان رسیدگی و کاهش دقت قضات می‌شود. متوسط ورودی پرونده، در دادگاه‌های ابتدایی کشورهای اروپایی، ۲,۷۳۸ پرونده در هر صد هزار نفر است (کمیسیون اروپایی ارتقای عدالت، ۱۳۹۵: ۱۳۶).^۴ در کشور ما متوسط ورودی در دادگاه‌های ابتدایی دادگستری، به ۵,۵۰۰ پرونده در هر صد هزار نفر در سال ۹۵ رسید (مطابق گزارش عملکردی وزارت دادگستری، در سال ۱۳۹۵، ورودی پرونده‌های دادگاه ابتدایی ۴,۴۰۰,۰۰۰ و شورای حل اختلاف ۳,۳۸۶,۰۰۰ است). این در حالی است که متوسط تعداد قضات دادگاه در اروپا در هر صد هزار نفر، ۲۱/۳ و در ایران، ۶/۳ است (در این آمار قضات شاغل دادرسی و دادگاه‌های صلح و شوراها حل اختلاف و قضات پاره‌وقت در اروپا و ایران محاسبه نشدند). به این معنی که به‌طور متوسط هر قاضی ایرانی بیش از ۶/۵ برابر یک قاضی اروپایی مشغول رسیدگی است.

۱. مواد ۵۹ در شماره‌گذاری اوراق پرونده، ۳۸۰ در ابلاغ دادنامه، ۳۸۴ و ۳۸۷ در ارسال اخطار، ۳۸۹ در ارسال پرونده، ۳۹۲ در تعیین وقت رسیدگی، ۴۳۹ در ثبت درخواست، ۴۴۰ در رفع نقص و ۵۲۹ در ثبت معافیت در احضاریه.

۲. مطابق مواد ۲۰۱ و ۲۰۷ و ۳۶۸ و بند ماده ۳۵۹، منشی دادگاه مکلف به نگارش و ثبت اظهارات است؛ اما به دلایل متعدد از جمله کمبود نیرو، عدم تخصص، تعداد زیاد پرونده‌ها، عدم سرعت منجر به اطلاع رسیدگی، سخت بودن کنترل و احتمال عدم ثبت کامل اظهارات، این کار صورت نمی‌گیرد.

۳. چند سالی است به قضات توصیه می‌شود هم‌زمان با امورات مذکور شخصاً با سیستم مدیریت پرونده‌های قضایی (cms) که رایانه‌ای است، به تنظیم صورتجلسه و ثبت دستور بپردازند!

۴. آمار مربوط به سال ۲۰۱۰ است.

البته برخی کشورهای اروپایی، از قضات پاره‌وقت و قضات غیرحرفه‌ای نیز در نظام قضایی استفاده می‌کنند.^۱ اما در ایران حتی پرونده‌های شورای حل اختلاف نیز با رأی و حکم قاضی دادگستری مختومه می‌شود؛^۲ که اگر به آمار پرونده‌های رسیدگی شده توسط قضات ابتدایی اضافه شود، به عدد ۹,۷۳۲ پرونده در هر صد هزار نفر می‌رسیم. در نهایت هر قاضی ایرانی ۱۱/۵ برابر یک قاضی اروپایی، مشغول رسیدگی است! در دیوان عدالت اداری نیز این وضعیت حاکم است. ۱۴۰,۰۰۰ پرونده در سال ۹۵ به دیوان وارد شد. تعداد ۵۴,۰۰۰ پرونده نیز به تجدیدنظر دیوان رفت. بر این اساس هر قاضی دیوان در حدود ۱,۷۰۰ پرونده در سال رسیدگی می‌کند.^۳ این ارقام باورنکردنی را مقایسه کنید با آمار دیوان عدالت اداری کشور تایلند^۴ با ۵,۰۰۰ ورودی و معدل ۲۶ پرونده سهم هر قاضی برای رسیدگی در سال. با توجه به این‌که دیوان عدالت اداری تنها به آراء مراجع شبه‌قضایی رسیدگی می‌کند، این آمار نشان می‌دهد عدم اتقان آرا در دادگستری‌ها تنها مربوط به ایرادهای شخصی قضات ابتدایی نیست و ایرادهای ساختاری اهمیت و تأثیر بیشتری دارند. از نگاه قضات، تعداد زیاد پرونده‌ها در وقوع جرائم بازداشت غیرقانونی ۶/۵۱ و جعل مفادی ۵/۴۵ از ۱۰ مؤثر دانسته شد. مقایسه کنید با تأثیر عدم برخورد مناسب با قضات مجرم در جرم بازداشت غیرقانونی به میزان ۴/۳۰ و جعل مفادی به میزان ۳/۳۳.

۲-۳. وابستگی و عدم استقلال کامل قوه قضائیه

مستقل بودن قوه قضائیه ایران به مانند سایر نظام‌های دارای دموکراسی در اصل ۱۵۶ قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته است. این تأکید در وهله نخست به غیرجناحی و غیرسیاسی بودن آن اشاره دارد. در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی، اعتقاد عموم بر این بود که دادگستری همانند سایر نهادهای حکومتی به نفع سلطنت‌طلبان عمل می‌کند و مستقل نیست. در سال‌های آغازین انقلاب تا اواخر دهه شصت این شائبه وجود داشت که قوه قضائیه متمایل به جریان چپ و پس از آن، این تلقی در ذهن برخی متبادر شد که بعضی از تصمیمات قضایی قوه قضائیه به نفع جریان راست سیاسی است. البته بارها این موارد از سوی مسئولین وقت دستگاه قضایی تکذیب گردید. اما در برخی موارد نمی‌توان پاسخی شایسته به افکار عمومی داد. به هر

۱. در انگلستان و ولز ۹۵ درصد از جرائم کیفری را قضات غیرحرفه‌ای رسیدگی می‌کنند.

۲. در حال حاضر تعداد معدودی قاضی با سمت قاضی شورای حل اختلاف شروع به فعالیت کرده‌اند؛ اما هنوز اغلب پرونده‌های شورا، توسط قاضی دادگستری مختومه می‌شود و اعضای شورا مطابق قانون، در حکم مشاور عمل می‌کنند.

۳. تمامی آمار ذکر شده، در سال ۹۶ روند صعودی داشت؛ به طوری که در این سال تعداد کل پرونده‌های قضایی به ۱۶,۳۲۱,۳۲۵ و تعداد پرونده‌های غیر تکراری به ۵,۸۲۸,۱۳۶ رسید و ورود پرونده به دیوان عدالت اداری با افزایش ۴۰,۰۰۰ مواجه شد. به نقل از: www.irna.ir/fa/news/83029863 تاریخ ۹۷/۶/۲۰ در مصاحبه با رییس مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه.

۴. کشوری آسیایی با جمعیت ۷۰ میلیونی و درآمد سرانه حدود دو برابر ایران.

۵. به نقل از نوپندال هینگیارن، نایب رییس دیوان عدالت اداری تایلند، برگرفته از خبرگزاری تسنیم در مورخه ۹۶/۴/۲۰:

www.tasnimnews.com/fa/news/1396/04/20/1461803

روی جهت‌گیری سیاسی، حتی اگر به نظر برسد، اعتماد عمومی را از بین می‌برد. بر این پایه، بهبود وضعیت ارجاع پرونده‌ها می‌تواند شائبه سیاسی بودن قوه قضائیه را از میان بردارد. زمانی که پرونده‌های ویژه (با رنگ و بوی سیاسی) تنها به چند قاضی دادسرا یا دادگاه ارجاع می‌شود، نخستین برداشتی که به ذهن می‌رسد، نگاه سیاسی قوه قضائیه به آن‌هاست. «در کشورهایی که فساد قضایی وجود دارد، سوءاستفاده از نظام ارجاع پرونده‌ها یکی از راه‌های اصلی تأثیرگذاری منفی است» (Carbonell, 2007: 226). در نظام‌هایی که ارجاع پرونده به صورت تصادفی نیست، مقام ارجاعی که قصد کنترل پرونده خاصی را داشته باشد، می‌تواند آن پرونده را به قاضی‌ای ارجاع دهد که از وی تبعیت می‌کند یا از رویه‌ای پیروی می‌کند که مطلوب مقام ارجاع است. از سوی دیگر قاضی تحقیق یا رسیدگی‌کننده به پرونده نیز در معرض این اتهام قرار می‌گیرد و همان‌طور که ذکر شد، درک فساد، حتی با نبود آن، افزایش می‌یابد.

در مواردی اظهارنظرهای قضایی، قبل از رسیدگی و قطعیت رأی، به استقلال دستگاه قضایی خدشه وارد می‌کند. این اظهارنظرها از سوی مسئولین حکومتی^۱ اعم از دولتی، مجلس، نظامی و انتظامی و حتی از تریبون‌های مذهبی^۲ و رسانه‌ها^۳ شنیده و هر روز به تعداد آن افزوده می‌شود. اگر این اظهارنظرها از سوی مسئولین قوه قضائیه بیان شود،^۴ استقلال شخص قاضی هم مورد خدشه قرار می‌گیرد.

۱-۳-۲. ضعف در استقلال قاضی

ضروری است که قضات مستقل باشند و این‌گونه نیز به نظر آیند. «هیچ عامل بیرونی خواه دولت یا گروه فشار یا فرد یا حتی قاضی دیگر نباید در مسیری که قاضی به پرونده رسیدگی می‌کند و تصمیم می‌گیرد، مداخله یا سعی در مداخله نماید» (اداره مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۱۳۸۹: ۵۳). بسیاری از قضات مصاحبه‌شونده این پژوهش معتقد بودند که فشار بیرونی بر قضات زیاد است و قضات در این خصوص، فاقد سلاح و حمایت‌اند. این فشار در پرونده‌های امنیتی و سیاسی و پرونده‌های افراد بانفوذ

۱. نمونه: واکنش یک امام جمعه، به صدور حکم حبس برای بسیجی فعال دانشجویی: «اگر جای قاضی بودم، یک روز هم حکم به حبس نمی‌دادم.» www.rajaneews.com/news/115234 کدخبری ۱۱۵۲۳۴ مورخ ۹۱/۴/۲۶.

۲. نمونه: انتقاد یک روحانی در سخنرانی شب دوم محرم، پخش‌شده از شبکه دو صدا و سیما: «به یک قاضی زنگ می‌زنم برای یک حکمی در یک پرونده‌ای، می‌گوید بله پیگیری می‌کنم؛ اما بعد از مدتی دیگر تلفن را جواب نمی‌دهد.» www.24onlinenews.ir/62695 مورخه ۹۵/۷/۱۵.

۳. نمونه: انتقاد رییس دادگاه کیفری یک خراسان رضوی از برنامه تلوزیونی ماه عسل: «در حالی که پرونده در حال رسیدگی است، این برنامه اعلام کرده که حکم قصاص صادر شده و...» www.ana.ir/news/41/101922 مورخ ۹۵/۴/۲۶.

۴. نمونه: واکنش یکی از مسئولین قوه قضائیه به فیلم سرقت مسلحانه با چاقو: «زورگیری با سلاح سرد، حکمش محاربه است... البته مجازات‌های بدیل دیگری وجود دارد؛ اما دستگاه قضایی مجازات اعدام را انتخاب کرده است.» (این در حالی بود که هنوز حکم قطعی صادر نشده بود) www.mehrnews.com/news/amp/1764651 کدخبری ۱۷۶۴۶۵۱، مورخ ۹۱/۹/۲۲ و در نهایت هر دو متهم ظرف ۵۰ روز پس از سرقت اعدام شدند.

شدت می‌گیرد. در نظرسنجی به عمل آمده، میانگین احتمال جرم نفوذپذیری در پرونده‌های امنیتی و سیاسی، ۵/۹۹ از ۱۰ و در پرونده‌های مالی سنگین یک طرف دولتی و یک طرف غیردولتی ۶/۲۴ است. مقایسه کنید با احتمال نفوذ در پرونده‌های ساده کیفری و حقوقی که هر دو ۲/۴ است.

اغلب قضات مصاحبه‌شونده، مستقل بودن قاضی از مسئولین و مدیران قضایی را واجد ارزش بالا تلقی نمودند؛ اما معتقدند که این استقلال تبعات منفی برای ارتقای شغلی به وجود می‌آورد. به‌رغم اینکه کمیسیون نقل و انتقالات قضات در راستای تغییرات و ارتقای سمت قضات سراسر کشور مستقل عمل می‌کند، قضات مورد نظرسنجی، میزان تأثیر قاطعیت و استقلال قاضی در ارتقای شغلی را در حد میانگین نمره ۵/۲۷ از ۱۰ می‌دانند. مقایسه کنید با نمره ۷/۷۴ پاسخ‌دهندگان، در مورد میزان تأثیر ارتباط با مسئولین قضایی استان در ارتقاء شغلی.

۲-۳-۲. وابستگی بودجه‌ای قوه قضائیه

علی‌رغم تفکیک قوا و استقلال تضمین‌شده قوه قضائیه به موجب قانون اساسی، دخالت‌های قوای دیگر به‌خصوص از طریق بودجه وجود دارد.^۱ بی‌تردید هر دستگاهی از سوی مرجعی که منابع مالی خود را دریافت می‌کند، تحت کنترل است و احتمال فشار بر آراء و تصمیمات قضایی وجود دارد. کمی بودجه توانایی تنظیم و اجرای سیاست‌های کلان پیشگیری و دادرسی را محدود می‌کند و بر عدالت قوه قضائیه تأثیر زیادی دارد؛ چراکه احتمال جذب داوطلبان شایسته با حقوق و مزایای مناسب، کاهش و احتمال وقوع فساد، افزایش می‌یابد. بودجه قوه قضائیه (ستاد قوه و دادگاه‌ها و دادرسی‌ها) در سال ۹۶ مبلغ ۳ هزار و ۶۱۵ میلیارد تومان بود. مقایسه کنید با بودجه دادستانی و دادگاه انگلستان، ولز و اسکاتلند با ۶/۳ میلیارد دلار، ترکیه با ۱/۶ میلیارد دلار، رومانی با ۷۸۱ میلیون دلار، ایتالیا با ۴/۴ میلیارد دلار، فرانسه با ۴/۲ میلیارد دلار، آفریقای جنوبی با ۸۸۱ میلیون دلار، آلمان با ۹/۱ میلیارد دلار و مکزیک با ۱/۵ میلیارد دلار.^۲

۱. به این نمونه‌ها توجه کنید:

مخالفت دولت با طرح ارسال مستقیم لوایح قضایی به مجلس در صورت امتناع دولت.

به نقل از: www.mehrnews.com/news/amp/2160107 کد خبری ۲۱۶۰۱۰۷

و مخالفت مجلس با تخصیص سالانه ۴۰۰۰۰ مترمربع ساختمان جدید به قوه قضائیه.

به نقل از: www.iribnews.ir/fa/news/1457608 کد خبری ۱۴۵۷۶۰۸

و مخالفت دولت با افزایش بودجه درآمد هزینه‌ای قوه قضائیه.

به نقل از: www.isna.ir/amp/94120402959 کد خبری ۹۴۱۲۰۴۰۲۹۵۹.

۲. غیر از انگلستان، ولز، اسکاتلند، که شامل دادرسی‌ها هم می‌شود، مابقی کشورها میزان بودجه، تنها مربوط به دادگاه‌های ابتدایی و عالی و دیوان است.

۳. زمینه‌های متأثر از مقررات داخلی قوه قضائیه

این عوامل، جزء مقررات داخلی قوه قضائیه محسوب شده و به‌صورت قانون یا دستورالعمل اعمال می‌شود و به‌رغم اینکه زیرمجموعه سیاست جنایی است، برای تحلیل مناسب‌تر از مقررات و سیاست‌های کلان، تفکیک و در این قسمت بررسی می‌گردد.

۳-۱. ضعف در استخدام و شایسته‌گزینی

قوه قضائیه در جذب نخبگان نیرومند نیست. کافی است به حضور صاحب‌نظران حقوق در سابق و کمبود اندیشمندانی از این دست در حال حاضر توجه شود.^۱ برخی از رتبه‌های برتر کنکور به دلیل مشکلات شغلی و معیشتی، جذب دانشگاه علوم قضایی می‌شوند؛ اما اغلب فارغ‌التحصیلان دانشکده‌های برتر حقوقی کشور، به‌دنبال اخذ پروانه وکالت یا مشاور حقوقی یا سردفتری‌اند و این مشاغل را بر قضاوت ترجیح می‌دهند. از متقاضیان قضاوت، هر ساله آزمونی کتبی و شفاهی گرفته می‌شود و شخص قبول‌شده، پس از گذراندن تحقیقات گزینشی، مصاحبه و تأیید سلامت روانی و پس از طی دوره کارآموزی وارد کسوت قضاوت می‌شود. لزومی به شرکت نخبگان در آزمون کتبی و ورودی قضاوت نیست (مواد ۶ و ۷ و ۸ و ۹ آیین‌نامه نحوه جذب، گزینش و کارآموزی داوطلبان تصدی امر قضاء و استخدام قضات، مصوب ۱۳۹۲). ایشان می‌توانند با گذراندن مصاحبه و مراحل گزینش وارد دوره کارآموزی شوند. ایراد مهم در این قسمت، سن پایین کارآموزان است. در نتیجه، قاضی در سنین ۲۳ الی ۲۵ سالگی شروع به کار می‌نماید. آسیبی که سن کم قضات و عدم تجربه به پرونده‌های قضایی وارد می‌کند، در اغلب کشورهایی که از سیستم حقوق نوشته پیروی می‌کنند، وجود دارد. قضات مورد مصاحبه، به این امر که در اوایل خدمت قضایی به دلیل تجربه ناکافی مرتکب جرائم شغلی یا تخلف شده‌اند، اذعان داشتند. در نظر سنجی به‌عمل‌آمده تنها ۱۵ درصد قضات پاسخ‌دهنده، سنین ۲۳ الی ۲۵ سالگی را مناسب دانستند. ۳۳/۳ درصد گزینه ۲۶ الی ۳۰ سالگی و ۳۶/۵ درصد گزینه ۳۱ الی ۳۵ سالگی را انتخاب کردند.

۳-۲. ضعف در آموزش

از سال ۱۳۹۲ معاونت آموزش قوه، حذف شد و واحد آموزش یکی از زیرمجموعه‌های معاونت منابع انسانی قرار گرفت.^۲ در ظاهر نیز با این اقدام تمامی معاونت‌های آموزش دادگستری استان‌ها حذف شد و در

۱. حقوق‌دانانی مانند: سید حسن امامی، محمد جعفر جعفری لنگرودی، سیدمصطفی عدل، سیدمحسن صدر، محمدرضا ایروانی، سید نصرالله تقوی، سید محمد فاطمی قمی، ناصر کاتوزیان، عبدالحسین علی‌آبادی و احمد فلاح رستگار که علاوه بر منصب قضایی، اغلب جزء مسئولین عالی دادگستری وقت بودند. هم‌چنین در دوره پس از انقلاب حقوق‌دانانی مانند سیدمصطفی محقق داماد و حسین میرمحمدصادقی را می‌توان نام برد که علی‌رغم شایستگی، از قوه قضائیه خارج شدند.

۲. در سابق نظر مسئولان آموزش بدون واسطه به اطلاع رییس قوه یا شورای عالی قضایی می‌رسید ولی در حال حاضر این ارتباط به واسطه معاون منابع انسانی برقرار می‌شود.

عمل فعالیت‌های آموزشی کمتر از سابق گردید. (شاید آمار ثبت شده به این صورت نباشد!) از نظر اغلب قضات مورد مصاحبه، این اقدام به تدریج از اهمیت آموزش قضایی کاسته و در نهایت سبب کم‌ارزش شدن سواد حقوقی قضات خواهد شد.

۱-۲-۳. آموزش مقدماتی و ایرادهای آن

آموزش مقدماتی پیش از تصدی کسوت قضایی در اغلب کشورها اجباری است. در کشورهایی که قضات بلافاصله از بین فارغ‌التحصیلان حقوق انتخاب می‌شوند، دوره آموزش، طولانی‌تر و کامل‌تر اجرا می‌شود. «در کشور فرانسه سه سال و در ایتالیا هجده ماه و در آلمان دوره آموزش در پروسه‌ای شش‌ساله ادامه پیدا می‌کند» (گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل، ۱۳۹۵: ۶۰). در ایران مدت آموزش مقدماتی یک سال است و برای نخبگان به شش ماه کاهش پیدا می‌کند. در حالی که فرض بر این است با قبولی در مراحل ورودی قضاوت، متقاضی قضاوت، علم حقوق را به اندازه کافی می‌داند و مفاد مواد آموزش اغلب تکرار دروس کارشناسی حقوق است. تنها ۱۱ درصد پودمان آموزشی کارآموزان قضایی به مباحث ضروری که یک فارغ‌التحصیل حقوق در مورد آن آموزشی ندیده است، اختصاص دارد.^۱ البته این مباحث آن قدر برای نهاد آموزش کم‌اهمیت است که هیچ‌گونه امتحانی از آن به عمل نمی‌آید. به این مفهوم که یادگیری و عدم یادگیری آن تأثیری در نمرات و رتبه کارآموز ندارد. در نظرسنجی به عمل آمده، ۳۵ درصد قضات، دوره کارآموزی پیش از خدمت را مفید و کاربردی ندانستند و حدود ۶۰ درصد قضات اعلام کردند که نحوه تعامل با مراجعه‌کنندگان و وکلا و نحوه تعامل با همکاران قضایی و ضابطین را در دوره کارآموزی نیاموختند. همچنین ۵۰ درصد معتقد بودند که نیازی به تکرار مباحث کارشناسی در دوره کارآموزی نبود.

کارآموز قضایی پس از اتمام دوره کارآموزی بر اساس امتیاز و نیاز دادگستری‌ها تقسیم می‌شود و در سمت‌های دایاری یا دادرسی (!) شروع به فعالیت می‌کند. این شروع به وی حق امضا و مسئولیت کامل می‌دهد و از لحظه شروع به کار، در مسئولیت‌های دایار تحقیق، ناظر بر زندان، اجرای احکام، اظهارنظر یا دادرسی دادگاه، تحقیقات، صورتجلسات، تصمیمات قضایی و اظهارنظرهای وی، سند رسمی و دستورات وی خطاب به کارکنان دفتری و ضابطین و سایر ادارات، لازم‌الاتباع است! با وجود اینکه قضات در آغاز خدمت، رسمی‌آزمایشی محسوب می‌شوند، این آزمایشی بودن فقط در مورد سمت ایشان است، نه تصمیماتشان. شکی وجود ندارد که این قاضی فاقد تجربه در اولین روزهای قضاوت مرتکب خطاهایی می‌شود که می‌تواند عنوان مجرمانه داشته باشد.

۱. اخلاق و آداب قضایی (۱۶ ساعت) مهارت‌های ارتباطی (۸ ساعت) اقدامات حفاظتی (۸ ساعت) مقررات انتظامی قضات (۸ ساعت) انشای قضایی (۸ ساعت) کمیسیون‌ها و نهادهای شبه قضایی (۸ ساعت) سامانه مدیریت پرونده (۱۲ ساعت).

۲-۳. آموزش ضمن خدمت و ایرادهای آن

آموزش ضمن خدمت قضایی اجباری نیست و تنها شرکت در این کلاس‌ها به تعداد معین و اخذ نمره کافی باعث افزایش حقوق می‌شود. این افزایش درخور توجه نیست (حدود دو بیست و پنجاه هزار تومان، در سال ۹۷) و در طول خدمت، تنها یک بار اعمال می‌شود. در حالی که مطابق نظر سنجی این پژوهش، ۴۵/۶ درصد قضات با این عبارت که «آموزش ضمن خدمت از دوره کارآموزی مقدماتی مفیدتر بود» موافق بودند، روند تشکیل و نوع تدریس این نوع آموزش تابع معیار استاندارد نیست. قضات، نیازمند آموزش کاربردی و به اصطلاح کارگاهی هستند. در سال‌های اخیر جهت رفع این نقیصه تلاش‌هایی به عمل آمد؛ از جمله تشکیل میزگردهای تخصصی، برگزاری کارگاه‌های تکنیک دادرسی، نشست‌های علمی تخصصی و نشست‌های نقد رأی که توسط پژوهشگاه قوه قضائیه^۱ انجام می‌شود. ایراد قابل ذکر، محدودیت بسیار زیاد آن است؛ به طوری که اغلب قضات از آن بی‌بهره‌اند.

با وجود اینکه به نظر می‌رسد تغییر سمت قضایی نیازمند آماده‌سازی قاضی قبول‌کننده سمت جدید است، هیچ‌گونه آموزشی در این خصوص صورت نمی‌گیرد. تغییر پست از دادسرا به دادگاه یا از دادگاه حقوقی به کیفری و بالعکس و دادگاه ابتدایی به تجدیدنظر یا قبول سمت‌های مدیریتی نیازمند آموزش ویژه است. در نظر سنجی صورت گرفته، ۹۵ درصد از قضات با این عبارت موافق بودند که «بهتر است دوره ۱۵ روزه آموزش، قبل از تصدی سمت قضایی جدید برگزار شود.»

۳-۳. حقوق و دستمزد ناکافی قاضی

حقوق و درآمد کافی زمینه سوءاستفاده مالی را از بین می‌برد. «حقوق کافی به معنای درآمدی است که تضمین کند، قضات، خانواده خود را تأمین می‌کنند، به حرفه خود وفادار می‌مانند و دست‌کم هیچ نیاز اقتصادی برای روی آوردن به فساد نداشته باشند.» (وین سنت یانگ، ۱۳۸۷: ۶) در کشورهای توسعه‌یافته که قضات حقوق خوبی دریافت می‌کنند، مقاومت بیشتری در مقابل فشارهای فساد وجود دارد. چین در دو دهه گذشته کارزار بزرگی برای مبارزه با فساد قضایی آغاز کرد و سیاست‌ها و قوانینی را برای افزایش حقوق و تأمین امنیت شغلی قضات تصویب کرد.^۲ در اسلوواکی بر اساس قانون، میانگین حقوق ماهیانه قاضی برابر با حقوق ماهانه عضو پارلمان است و حقوق ناخالص سالانه بر مبنای ۱۴ ماه محاسبه می‌شود؛ چراکه قضات و دادستان‌ها از دو حقوق ماهانه اضافی که در می و نوامبر پرداخت می‌شود، برخوردارند. در گرجستان از ژانویه سال ۲۰۰۹ حقوق قضات ۴۰۰ درصد افزایش یافت (گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل، ۱۳۹۵: ۲۹). در سطح اروپا قضات و دادستان‌ها در ابتدای تصدی شغلی‌شان بهتر از میانگین حقوق ناخالص ملی دریافت می‌کنند. ۲/۴ بار بیشتر برای قضات و ۱/۹ بار بیشتر برای دادستان (کمیسون اروپایی ارتقای عدالت، ۱۳۹۵:

۱. این پژوهشگاه در سال ۱۳۹۱ تأسیس شد تا به‌عنوان بازوی پژوهشی و مطالعاتی قوه قضائیه به فعالیت بپردازد.

۲. به نقل از: ژونگ ون هوا، در: www.chinacourt.org/public/detail.php?id=198213

(۲۰۷). درآمد قضاات ایرانی، به رغم حجم کار زیاد، پایین است. همان طور که ذکر شد، یک قاضی دادگاه در ایران ۱۱/۵ برابر یک قاضی اروپایی، به پرونده رسیدگی می‌کند؛ اما درآمد سالانه او از زمان شروع به کار به علاوه فوق‌العاده ویژه، کمتر از ۶۰ میلیون تومان است (در سال ۱۳۹۷). مقایسه کنید با «۲۳,۸۰۰ دلار برای قضاات استونی، ۱۶,۵۰۵ دلار برای قضاات ترکیه، ۱۱,۶۳۵ دلار برای قضاات آذربایجان، ۶۲,۸۱۸ دلار برای قضاات مکزیک، ۱۸۳,۸۴۸ دلار برای قضاات انگلستان، ولز و اسکاتلند، ۳۸,۴۵۴ دلار برای قضاات آفریقای جنوبی و ۱۷۴,۰۰۰ دلار برای قضاات آمریکا» (گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل، ۱۳۹۵: ۱۲۶). از سوی دیگر مطابق بند ۲ ماده ۱۷ قانون نظارت بر رفتار قضاات، اشتغال هم‌زمان به مشاغل مذکور در اصل ۱۴۱ قانون اساسی^۱ یا کارشناسی رسمی دادگستری، مترجمی رسمی، تصدی دفتر ازدواج، طلاق و اسناد رسمی و اشتغال به فعالیت‌های تجاری موضوع ماده یک قانون تجارت، تخلف انتظامی محسوب و مرتکب به یکی از مجازات‌های درجه هشت تا سیزده محکوم می‌شود. تصدی سایر مشاغل (غیر از تدریس) خلاف شأن محسوب می‌شود. «در اغلب کشورهای اروپایی، تدریس و تحقیق تنها فعالیت‌های هستند که قاضی مجاز است علاوه بر وظیفه اصلی‌شان انجام دهد. در کشورهای قبرس، انگلستان، ولز، ایرلند شمالی و ترکیه، تدریس و تحقیق نیز، مجاز نیست» (کمیسیون اروپایی ارتقای عدالت، ۱۳۹۵: ۲۱۶).

قضاات مورد نظرسنجی این پژوهش، حقوق و دستمزد ناکافی را مؤثرترین عامل وقوع جرم ارتشاء (۸/۶۷ از ۱۰) معرفی کردند. (مقایسه کنید با تأثیر ۷/۷۲ عامل حب مال و تأثیر ۴/۸۵ عامل کنترل ناکافی قضاات و تأثیر ۳/۵۰ عامل عدم برخورد مناسب و کافی با قضاات متخلف)

۴. عوامل ناشی از تصمیمات مدیران عالی قضاات

به دلایل متعددی، از جمله عدم استفاده از تجربه قضاات باسابقه، تکیه بر تئوری آزمون و خطا در مدیریت، استفاده نکردن از سیاست‌های تطبیقی مدیریتی سایر کشورها، نداشتن سیاست کلان و غفلت از هدف عالی برقراری عدالت، در برخی موارد، تصمیمات مدیران عالی قضاات بر پایه سیاست‌های تقنینی و نوشته شده نیست و با تغییر مدیر، این تصمیمات دگرگون می‌شود. در این قسمت به این موارد و تأثیرات آن پرداخته می‌شود.

۱. اصل صد و چهل و یکم قانون اساسی: «رییس جمهور، معاونان رییس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیئت مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی، جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است. سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی از این حکم مستثنا است.»

۴-۱. عدم حفظ نخبگان و قضات باتجربه

هر از گاهی تلاش‌هایی جهت جذب نخبگان در دستگاه قضایی صورت می‌گیرد و موفقیت‌هایی نیز کسب می‌شود ولی در حفظ ایشان اقدام عملی مؤثر و پایداری تابه‌حال صورت نگرفته است؛^۱ به‌ویژه در مورد نخبگانی که پس از سال‌ها قضاوت عنصر تجربه را نیز کسب کرده‌اند.^۲ به‌طور نمونه در سال ۱۳۸۳ و در ادامه در سال ۱۳۹۰ آیین‌نامه جذب و نگهداری نیروی انسانی نخبه و استعداد برتر در هیئت دولت تصویب شد که تسهیلاتی برای نخبگان شاغل در ادارات قائل گردید. به برخی از قضات که مشمول این آیین‌نامه بودند، گفته شد: «اجرای این آیین‌نامه فقط مربوط به کارکنان دولتی است، نه قضات که زیرمجموعه قوه قضائیه هستند.»^۳ مطابق نظرسنجی این پژوهش، ۶۴/۸ درصد پاسخگویان تمایل داشتند که اگر امکان تغییر شغل در همین امروز فراهم شود، شغل خود را تغییر دهند. ۴/۱ درصد به وکالت، ۳۸/۵ درصد به هیئت علمی، ۱۱/۵ درصد هر شغل مناسب با حقوق بیشتر و ۱۰/۷ درصد هر شغل مناسب دیگر، حتی با حقوق کمتر، را انتخاب کردند و تنها ۳۵/۲ درصد حاضر به تغییر نبودند. از نظر قضات مصاحبه‌شونده، «نخبگی» یک قاضی تأثیر کمتری نسبت به «رابطه» در اخذ پست‌های مدیریتی و قضایی دارد. در نظرسنجی به‌عمل‌آمده، عامل سابقه و تجربه قضایی تأثیر ۶/۶۱ از ۱۰ و عامل سواد و تخصص حقوقی تأثیر ۶/۲۱ در ارتقای شغلی قضات دارد. (مقایسه کنید با تأثیر ۷/۷۹ ارتباط با مسئولین قوه قضائیه در ارتقای شغلی)

۴-۲. عدم رعایت شأن قضایی

شأن به معنی منزلت و مرتبت اجتماعی است. رعایت شأن قضایی جبران‌کننده حقوق کم قضات است. با رعایت شأن قضایی، به‌طور غیرمستقیم، به اعتبار فرامین و احکام قضایی، فصل‌الخطاب بودن آنان و استقلال قاضی افزوده می‌شود.^۴ حفظ شأن قضایی از جمله وظایف شخص قاضی، دستگاه قضایی، دولت و حاکمیت و در نهایت مردم است. از مهم‌ترین دغدغه‌ها و نگرانی‌های قضات مصاحبه‌شونده، رعایت‌نشدن

۱. البته تنها تلاش شایان ذکر در کمیسیون نقل و انتقالات قضات، پیشنهاد تغییر سمت یا محل خدمت به قضات باتجربه متقاضی خروج است که البته ارتباطی به نخبه‌بودن یا نبودن آنان ندارد.

۲. نایب رییس کمیسیون قضایی حقوقی مجلس در ۷ بهمن ۱۳۹۶ اعلام کرد که قضات دیوان عالی کشور (به دلیل شرایط مالی) به‌طور گسترده تقاضای بازنشستگی دارند؛ به نقل از: www.icana.ir/fa/news/367706

۳. در ادامه اظهار داشتند: «به کارکنان اداری که زیرمجموعه وزارت دادگستری هستند تعلق می‌گیرد.» به‌طور معمول، نخبگان در قسمت اداری قوه حضور ندارند.

۴. مندرج در نامه ۵۳ حضرت علی در نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر نخعی: «از نظر مقام و منزلت آن قدر قاضی را گرامی دار که نزدیکان تو به نفوذ در او طمع نکنند.»

شان قاضی، توسط خود دستگاه قضایی است. این مطلب باعث گردید که بسیاری از نخبگان و قضات باتجربه از قوه قضائیه خارج شوند^۱ یا تمایل جدی بر آن داشته باشند.

رهبر انقلاب در هفتم تیرماه ۱۳۸۳ در دیدار مسئولین قضایی فرمود: «محور در قوه قضائیه قاضی است. بقیه تشکیلات همه تدارکات چی قضاتند. همه در حکم نیروهای ستادی برای صف هستند. صف، قاضی است»^۲. به نظر می‌رسد درک این مطلب و اعتقاد به آن در تمامی مسئولان قضایی وجود ندارد^۳ و این امر تبعاتی را به وجود آورده است. اگر نقطه کانونی قوه قضائیه قاضی است، امکانات و تسهیلات دادگستری به جای آنکه محدود به ستاد شود، باید با در نظر گرفتن اولویت، به قضات صف اختصاص یابد.^۴ اگر محور قضایی است و دیگران تدارکات چی، نباید ارتباط مستقیم و گرفتن وقت ملاقات با مسئولان بالادستی قوه، سخت و وقت‌گیر باشد و همچنین نباید ارتباط قضات با ایشان در بازدیدها و سفرهای استانی، یک‌طرفه و قضات تنها مستمع سخنان ایشان باشند.^۵ در این خصوص نمونه‌های بسیاری از سوی قضات مصاحبه‌شونده بیان شد که مهم‌ترین آنان عدم حمایت از قضاتی است که در شروع کار قضایی و به دنبال خانه اجاره‌ای، با انواع و اقسام مؤجرین و صنف بنگاه‌های املاک و واسطه‌های آنان آشنا می‌شوند. صنفی که به هر دلیل، تعداد زیادی از مراجعه‌کنندگان دادگستری را تشکیل می‌دهند و شرایط برای نفوذ بر این قاضی تازه‌کار فراهم می‌شود. بدیهی است در این پروسه شأن قاضی در پایین‌ترین نقطه قرار می‌گیرد. همچنین نقل و انتقال قضات آن‌قدر غیر شفاف و پیچیده است که می‌توان آن را یکی از معضلات قضات در طول خدمت قضایی دانست. این در حالی است که تنها سمت حکومتی که به موجب قانون اساسی^۶ و قانون عادی^۷ در خصوص محل خدمت مورد حمایت کامل قرار گرفته، سمت قضایی است. اقدامات منفی از این دست باعث شد که مطابق

۱. گزارش خبرگزاری تسنیم از کانون وکلای مرکز: در دوره «۲۰ تا ۳۰ دی‌ماه سال ۹۵» از ۶۶ متقاضی وکالت، ۳۰ نفر قاضی و در دوره «۲۰ تا ۳۰ فروردین‌ماه سال ۹۶» از ۴۹ نفر متقاضی پروانه وکالت، ۲۵ نفر قاضی بودند.

۲. نقل از: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7833>

۳. از مرحوم عبدالعلی لطفی، وزیر اسبق دادگستری و کسی که در زمان تصدی وزارت، ابتدا پسرش و سپس حدود سیصد قاضی را به دلیل نداشتن شرایط قضاوت از کار برکنار کرد، نقل شده است که اجازه نمی‌داد قاضی تازه‌ابلاغ‌گرفته در مقابل مسئول حکومتی (حتی خودش) بایستد و به همه توصیه می‌کرد که شأن قاضی از تمام مسئولین دولتی و حکومتی بالاتر است (مدیریت آموزش دادگستری استان تهران، ۱۳۸۴: ۲۸).

۴. مرسوم است که در دادگستری‌ها، مدیران دارای اتومبیل اداری، خانه‌های سازمانی، اتاق‌ها و دفاتر بزرگتر و... باشند.

۵. سفر سه روزه رییس وقت قوه قضائیه در سال ۱۳۸۷ به استان کردستان، بدون حتی ده دقیقه سخنرانی جداگانه برای قضات یا استماع مشکلات ایشان یا بازدید محل کار ایشان به اتمام رسید.

۶. از اصل ۱۶۴ قانون اساسی: «قاضی را نمی‌توان... بدون رضای او محل خدمت یا سمتش را تغییر داد مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رییس قوه قضائیه پس از مشورت با رییس دیوان عالی کشور و دادستان کل. نقل و انتقال دوره‌ای قضات بر طبق ضوابط کلی که قانون تعیین می‌کند، صورت می‌گیرد.»

۷. قانون نقل و انتقال دوره‌ای قضات مصوب ۱۳۷۵/۱۱/۲۸.

نظرسنجی به عمل آمده، حدود ۴۵ درصد از قضات شاغل مورد پرسش، کمتر از ۵۰ درصد از شغل خود رضایت داشتند و تنها ۳۵ درصد اظهار داشتند که حاضر نیستند شغل خود را تغییر دهند.

۴-۳. عدم شفافیت و پاسخ‌گویی

دو عامل مهمی که به درک فساد گسترده در جامعه دامن می‌زند، عدم شفافیت در عملکرد دستگاه قضایی و عدم پاسخ‌گویی در موارد ایجاد شبهه و سؤال است؛ به‌طور مثال با تغییر حکم دادگاه ابتدایی در مرجع عالی، به‌خصوص در پرونده‌های شهرت‌یافته، (اگر علت تغییر در خود رأی نگارش نشود) هیچ نهادی در دستگاه قضایی خود را ملزم به پاسخ‌گویی نمی‌داند؛ در نتیجه افکار عمومی به هرگونه تحلیلی هدایت می‌شود. اگر معیارهای افزایش استقلال با سازوکارهای افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی همراه شود، بسیاری از نگرش‌ها به دستگاه قضایی تغییر می‌کند.

۴-۳-۱. عدم شفافیت

قوة قضائیه جهت رفع ابهام در عملکرد، باید گزارش‌های سالانه اقدامات و هزینه‌های خود را منتشر کند و اطلاعات موثقی در مورد نحوه مدیریت و امور سازمان خود در اختیار عموم قرار دهد. مردم نیاز دارند که به اطلاعات مربوط به قوانین، پیشنهاد اصلاح قوانین و مقررات، رویه‌های دادگاه‌ها، فرصت‌های شغلی قضایی، معیارهای جذب نیرو، روال انتخاب قاضی و دلایل انتصاب‌های قضایی دسترسی داشته باشند. انتشار تصمیمات قضایی در بسیاری از کشورهایی که رویه قضایی لازم‌الاجرا نباشد، از جمله کشور ایران مرسوم نیست. انتشار تصمیمات می‌تواند قضات فاسدی را که قادر به توجیه احکام خود نیستند، افشا کند و از قضاتی که استدلال‌شان نشانگر اعمال درست قانون است، محافظت کند. تصمیمات قضایی منتشر شده به مردم کمک می‌کند تا مطمئن شوند که اقدامات قضایی، مطابق قانون است و در تصمیمات نفوذ نایجا اعمال نشده است.

در سال‌های اخیر مسئولین قوه قضائیه در راستای شفافیت، به اعلام تعداد و اسامی قضات مجرم یا معلق‌شده در تریبون‌های عمومی اهتمام دارند تا به این نحو افکار عمومی را متقاعد سازند که با قضات متخلف برخورد می‌شود و به قضات هشدار دهند که مسئولین قوه در مقابله با قضات بزهکار مصمم‌اند. اما صرف‌نظر از اینکه تأکید و تکرار بسیار آن به‌طور منطقی موجب پایین آمدن شأن قضایی است، تبعات منفی این سیاست گریبان‌گیر کل سیستم قضایی می‌شود و در نهایت اعتماد مراجعه‌کنندگان نیز نسبت به قضات و دستگاه قضایی کمتر از سابق می‌شود. در نظرسنجی انجام‌شده از قضات، ۶۲ نفر این اقدام را کاملاً مضر و ۴۹ نفر آن را دارای ضرر بیشتر از فایده و تنها ۲ نفر با مسئولین قوه هم‌نظر بوده و آن را کاملاً مفید دانستند.

۲-۳-۴. عدم پاسخ‌گویی

پاسخ‌گویی و شفافیت دو روی یک سکه‌اند. یکی از راه‌های مهم مبارزه با فساد قضایی، افزایش پاسخ‌گویی قوه قضائیه به مراجعان و عموم مردم است. پاسخ‌گویی ابعاد گوناگونی دارد. پاسخ‌گویی حقوقی، به معنای صدور تصمیمات و احکام موجه قابل اعتراض و تجدیدنظرخواهی است. پاسخ‌گویی مالی متضمن این است که قوه قضائیه در زمینه منابع اختصاص داده‌شده و منابعی که قرار بوده اختصاص داده شود، پاسخ‌گو باشد. همچنین قوه قضائیه باید درباره شیوه مدیریت خود نسبت به مردم و کارکنان خود پاسخ‌گو باشد. پاسخ‌گویی دستگاه قضایی نسبت به مجلس و سازمان‌های مردم‌نهاد و مطبوعات، با تحت تأثیر بودن تفاوت دارد و عملکرد این دستگاه علاوه بر لزوم قانونی بودن، باید قابل توجه باشد؛ به‌ویژه در پرونده‌های مهم که باید پاسخ‌گویی افکار عمومی نیز باشد. میزان پاسخ‌گویی قوه قضائیه بسیار کم و در برخی موارد غیرحرفه‌ایست؛ به طوری که در برخی موارد با اعلام پیشین نتیجه یک موضوع، استقلال قضایی زیر سؤال می‌رود.

۳-۳-۴. قاضی پاسخ‌گو

بسیاری از قضات مصاحبه‌شونده معتقد بودند، پاسخ‌گویی به مراجعه‌کنندگان انرژی و وقت زیادی از ایشان می‌گیرد؛ به نحوی که فعالیت قضایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به‌طور نمونه قاضی‌ای که نوع و میزان قرار تأمین را مشخص می‌کند، به‌طور مرتب از سوی متهم و وابستگان وی و حتی از طرف شاکی مورد سؤال قرار می‌گیرد که چرا این نوع تأمین و چرا این میزان. یا وقتی حکمی صادر می‌شود، محکوم این را از حقوق مسلم خود می‌داند که با مراجعه به نزد قاضی، پاسخ‌هایی قانع‌کننده در مورد دلایل محکومیت بشنود. عدم پاسخ‌دهی مناسب قاضی در این مواقع، بد اخلاقی، تکبر، یک‌جانبه‌گرایی یا تبانی با طرف دیگر تلقی می‌شود. اما قضات باید بی‌طرف، مستقل و غیرقابل مؤاخذه باشند. «قاضی در انجام وظیفه خود مستخدم کسی نیست. او مجری قانون و تنها در برابر قانون و وجدان خویش پاسخ‌گو است و موظف است که به‌طور مستمر آن را مدنظر قرار دهد. از این رو، قاضی مجبور نیست محتویات پرونده را گزارش کند» (ارزش اول از اصول بنگلور مربوط به رفتار قضایی مصوب سال ۲۰۰۲، ۵-۱) بر این اساس، قاضی موظف به پاسخ‌گویی حتی به طرفین پرونده نیست و تمام اظهارنظرش، در تصمیم قضایی، نگارش و ابلاغ می‌شود. او «موظف نیست محتویات پرونده را حتی به دیگر اعضای دستگاه قضایی گزارش کند. اگر یک تصمیم چنان ناشایست باشد که وقوع یک تخلف انتظامی را مدلل سازد، قاضی گزارش نمی‌دهد؛ بلکه به اتهام یا تحقیق رسمی که بر اساس قانون انجام می‌شود، پاسخ می‌دهد» (اداره مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد، ۱۳۸۹: ۶۶). لذا وظیفه پاسخ‌گویی بر عهده شخص قاضی نیست؛ بلکه این وظیفه می‌تواند توسط مسئولین دادگستری‌ها یا سخن‌گویی ایشان صورت گیرد. همان‌طور که در سال‌های اخیر به‌طور منظم، سخن‌گویی قوه قضائیه، به این امر می‌پردازد؛ ضرورت دارد در استان‌ها (و شهرستان‌ها) نیز این امر توسط سخن‌گویی آن دادگستری‌ها به‌طور مستمر صورت گیرد تا شائبه فساد با ارائه توضیح و پاسخ‌گویی به حداقل برسد.

۵. راهکارها

طرح ایراد بدون ارائه راه‌حل، خود ایراد مهمی است. تمامی عوامل ساختاری تسهیل‌کننده وقوع جرائم قضات که در این نوشتار آمد، قابلیت اصلاح دارند. بر این پایه و بر اساس یافته‌های این پژوهش پیشنهادها زیر طرح می‌شود:

۱. در تقنین قوانین جدید، به میزان توان قاضی به‌عنوان یک انسان توجه شود و وظایف و تکالیف خارج از ظرفیت وی مورد تصویب قرار نگیرد یا به کارکنان دیگر سپرده شود؛
۲. ضرورت دارد مانند برخی از کشورها از قضات جدیدالورود در چند سال ابتدایی به‌عنوان دستیاران قضایی استفاده شود تا از اولین روزهای کاری، مسئولیت کامل و سنگین قضایی بر عهده ایشان نهاده نشود و به مدد دستگیری قضات، واجد عنصر تجربه شوند؛
۳. با اصلاح نظام ارجاع و تکیه بر ارجاع تصادفی جهت جلوگیری از شائبه اعمال نفوذ در پرونده‌ها، به‌خصوص در دادسرا و دادگاه‌های شهرهای بزرگ، همچنین با جداسازی کامل تشکیلات دادسرا و دادگاه حتی در سخن‌گوی ایشان، احساس نفوذ و قابل‌پیش‌بینی بودن پرونده‌ها بر اساس گرایش‌های سیاسی یا نژادی یا مذهبی طرفین کمتر شود؛
۴. با اصلاح قانون، میزان بودجه قوه قضائیه واقعی شده و با طرح مستقیم و بدون واسطه آن از سوی قوه قضائیه به مجلس، مشکل استقلال مالی رفع گردد؛
۵. دعوت از نخبگان علم حقوق و فقه به‌خصوص افراد با تجربه حقوقی و فراهم کردن شرایط و تسهیل در شروع به کار ایشان در سمت‌هایی که در آن تخصص یا تمایل دارند؛
۶. ارزش‌گذاری به سواد و تجربه قضایی با دادن پست‌های مدیریتی و قضایی عالی به نخبه‌ترین قضات و افزایش انگیزه ایشان با ارائه تسهیلات آموزشی ضروری است و در این راستا تشکیل دوباره معاونت آموزش در افزایش اعتبار آموزش، بسیار اهمیت دارد؛
۷. اصلاح مواد آموزشی کارآموزی مقدماتی و ضمن خدمت قضایی و الزامی شدن آن و برگزاری کارآموزی کوتاه‌مدت ضمن خدمت (حداقل ۱۵ روز) قبل از تصدی سمت جدید قضایی، برخی ایرادهای آموزشی و علمی قضات را رفع خواهد کرد؛
۸. بهبود شرایط دستمزد و مزایای مادی قضاوت، موجب تمایل نخبگان علم حقوق و فقه به دستگاه قضایی شده و رغبت بر خروج از سمت‌های قضایی را بسیار کاهش داده و مانند سال‌های گذشته، قوه قضائیه محل اشتغال نام‌آوران رشته حقوق خواهد شد؛
۹. حفظ شأن قضات از سوی مسئولان حکومتی، دولتی و قضایی کشور و حمایت از استقلال قاضی با اجرای کامل قانون نقل و انتقال دوره‌ای قضات و عدم الزام وی در تغییر محل خدمت و استفاده به‌ندرت و با معیار مشخص از اصل ۱۶۴ قانون اساسی ضروری است؛

۱۰. افزایش شفافیت عملکردی دستگاه قضایی در تمامی جوانب آن و اعتقاد به این امر که هر چه شفافیت بیشتر باشد، از فساد یا احساس وجود فساد جلوگیری خواهد شد، امری لازم است. این شفافیت علاوه بر تحقیق و رسیدگی به پرونده‌ها، باید تمامی ارکان قوه را در برگیرد؛
۱۱. جای نهادی مانند کانون مستقل قضات، با حضور همه قضات کشور، به طوری که خارج از چهارچوب رسمی دولتی از منافع قضات حتی در برابر متصدیان رسمی دستگاه قضا دفاع کرده و به نوعی سخن‌گوی قضات باشد، بسیار خالی است. مشابه آن در برخی از کشورها دیده می‌شود.
۱۲. از همه مهم‌تر و مورد انتظار جامعه حقوقی کشور (به ویژه قضات)، حضور مسئولین باتجربه قضایی در رأس قوه قضائیه است. در نظرسنجی به عمل آمده، ۷۷ درصد قضات شرکت کننده (۹۷ نفر از ۱۲۶ نفر) سابقه حداقل بیست ساله قضایی مسئولان ردیف اول و دوم قوه قضائیه را در کاهش جرائم قضات کاملاً مؤثر یا در حد بسیاری مؤثر دانستند.

نتیجه

برخورد قهری و تریبی با قضات مجرم، بدون تلاش جهت مقابله با عوامل به وجود آورنده آن، ناکارآمد است. صرف نظر از عوامل فردی و شخصیتی قاضی، اولین قدم در راه دستیابی به دستگاه قضایی عدالت‌محور، مستقل و با کمترین فساد شناخت ایرادهای ساختاری زمینه‌ساز وقوع جرائم قضایی قضات است. با بررسی این ایرادها مشخص گردید که چگونه زمینه‌های ساختاری مانند سیاست جنایی، قوانین حاکم، مقررات داخلی و تصمیمات مدیران قوه قضائیه زمینه را برای ارتکاب جرم قضایی از سوی قاضی آماده می‌کند. ایرادهای وارد بر سیاست جنایی بر مبنای قوانین حاکم، از جمله تراکم و ابهام در قوانین و سپردن طیف وسیعی از تکالیف قانونی به قاضی، بدون توجه به توان او، به همراه هجوم پرونده‌ها به دادگستری، قاضی را در شرایط سختی قرار می‌دهد. ضعف در نحوه گزینش، آموزش مقدماتی و ضمن خدمت و عدم وجود راهکارهای عملی برای ورود و حفظ نخبگان و باتجربگان در دستگاه قضایی، اموری است که دستگاه قضایی باید برای رفع آن تلاش کند. اعتباربخشی به تمامی تصمیمات قضات تازه‌وارد، باعث افزایش ارتکاب جرائمی، مانند بازداشت غیرقانونی خواهد شد. از این رو ایجاد مرحله‌ای مشابه دستیاری قضایی در آغاز خدمت قضایی ضروری است. با اصلاح نظام ارجاع و تکیه بر ارجاع تصادفی جهت استفاده از تمامی ظرفیت‌های قضایی کشور، به ویژه در پرونده‌های پرسروصدا، شائبه اعمال نفوذ در پرونده‌ها کمتر خواهد شد. با جداسازی کامل تشکیلات دادسرا و دادگاه حتی در سخن‌گویی، از قابل‌پیش‌بینی بودن پرونده‌ها بر اساس گرایش‌های سیاسی یا نژادی یا مذهبی طرفین و در نهایت از میزان درک فساد قضایی کاسته می‌شود. به دلیل فقدان شفافیت کافی در قوه قضائیه و توجه به این نکته که هر چه شفافیت بیشتر باشد، از فساد و احساس وجود فساد جلوگیری خواهد شد، افزایش شفافیت عملکردی دستگاه قضایی در تمامی جوانب آن ضروری است. بدیهی است این شفافیت، علاوه بر مراحل تحقیق و رسیدگی پرونده‌ها، باید تمامی ارکان قوه قضائیه را در برگیرد.

از عوامل مهم ارتکاب جرائم مالی توسط قضات، درآمد پایین ایشان است. اگر قاضی از نخبگان جامعه و علم حقوق دانسته می‌شود یا انتظار این است که نخبگان وارد این عرصه شوند، به طور منطقی باید او را از حقوق و مزایای مناسب برخوردار کرد؛ چراکه قانون او را (و تنها او را) با وجود بهره هوشی بالا، از هر نوع فعالیت اقتصادی آزاد، در ایام جوانی و میان‌سالی محروم کرد و نباید آن قدر در فشار مالی باشد که مرتکب تخلف (فعالیت اقتصادی) شود و به قانون‌گریزی عادت کند.

در نهایت به‌رغم ایرادهای وارد بر ساختار، این عوامل تنها شرایط وقوع جرم را فراهم می‌کنند و در مرحله بعدی با اضافه‌شدن ضعف اخلاقی یا شخصیتی قاضی، جرم محقق می‌شود و قاضی مجرم، حتی با ارتکاب اولین جرم، به لحاظ خدشه در اعتماد تفویض‌شده جامعه دیگر شایسته این مقام نیست و برخورد دفعی با وی، برای مبارزه با فساد قضایی لازم و ضروری است.

منابع

فارسی

- اداره مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد (۱۳۸۹)، شرح اصول رفتار قضایی (اصول بنگلور)، مترجم: محمد علی شاه‌حیدری، مجتبی همتی، تهران: نشر خرسندی.
- استیفن رابینز (۱۳۸۸)، تئوری سازمان، مترجم الوانی و دانایی فرد، تهران: نشر گنج شایگان.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۸)، سرطان اجتماعی فساد، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- مدیریت آموزش دادگستری استان تهران (۱۳۸۴)، فصلنامه قضاوت، شماره ۳۵.
- فورچی بیگی، مجید (۱۳۹۴)، جرم شناسی جرائم یقه سفیدها، تهران: نشر دادگستر.
- کمیسیون اروپایی ارتقای عدالت (۱۳۹۵)، ارزیابی نظام‌های قضایی اروپا، مترجم: پژوهشگاه قوه قضائیه، تهران: نشر مرکز انتشارات قوه قضائیه.
- گزارش سازمان شفافیت بین الملل (۱۳۹۵)، فساد در نظام‌های قضایی، مترجم: لیلی منفرد، تهران: نشر مرکز انتشارات قوه قضائیه (پژوهشگاه قوه قضائیه).
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۰)، تقریرات درس جرم شناسی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- وین سنت یانگ (۱۳۷۸)، «راهکارهای مبارزه با فساد قضایی در کشورهای آسیایی»، ترجمه آرش فرهودی، روزنامه مأوی، یکشنبه ۳ شهریور ۱۳۸۷ شماره ۷۵۲، صفحه ۶.

انگلیسی

- Carlo Guarnieri (2007), "Professional qualifications of the judiciary in Italy, France and Germany", **Transparency International**, Global Corruption Report 2007, Corruption in Judicial Systems, Cambridge University Press, Cambridge.
- Miguel Carbonell (2007), "Judicial corruption and impunity in Mexico", **Transparency International**, Global Corruption Report 2007, Corruption in Judicial Systems, Cambridge University Press, Cambridge.
- Sutherland, Edwin Hardin (1949), **White Collar Crime**, New York, Holt Rinehart & Winston.

برخط

- <http://www.chinacourt.org/public/detil.php?id=198213>
- <http://www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7833>
- <http://www.judiciary.gov.uk/docs/judges-council/published-guide0606.pdf>.
- <http://www.pewresearch.org/fact-tank>
- <http://www.transparency.org/what-is-corruption>
- <http://www.yalelawjournal.org/note/corruption-in-our-courts>